

تحریم اقتصادی چیست؟ چرا؟ چگونه؟

پیش از هر بحثی در باب تحریم اقتصادی ابتدا باید به این دو نکته توجه داشت که تحریم اقتصادی با چه هدفی اعمال می‌شود و از منظر هدف، آیا تحریم‌های اقتصادی موفقیت‌آمیز بوده‌اند یا خیر؟ بنا به تعریف تحریم‌های اقتصادی عبارتند از دستکاری در روابط و همکاری‌های اقتصادی به منظور تأمین اهداف سیاسی. در واقع تحریم اقتصادی یک ابزار سیاست خارجی است که این امکان را فراهم می‌آورد که کشور یا کشورهایی مقاصد سیاسی خود را نسبت به کشور هدف به هنگام بروز اختلاف اعمال کنند.

تحریم‌های اقتصادی از جهت هدف، دو نوع هستند:

اول، تحریم اقتصادی به منظور بی‌ثبات کردن رژیم سیاسی کشور هدف است که در واقع برگرفته از تضاد در منافع استراتژیک کشور تحریم‌کننده و کشور هدف می‌باشد. این نوع تحریم برای تغییر رژیم کشور هدف است. دوم، تحریم اقتصادی برای تغییر رفتار سیاسی یا اقتصادی کشور هدف صورت می‌گیرد. این نوع تحریم به مراتب ملایم‌تر از نوع اول است.

زمانی که کشورها به دنبال تغییر رژیم یک کشور هستند، تحریم نوع اول اعمال می‌شود با این هدف که لطمه‌ای سنگین به منافع کشور هدف وارد آید. در واقع در این نوع تحریم، عملاً تحریم اقتصادی جایگزین جنگ و گزینه "ماقبل جنگ" تلقی می‌شود.

انواع تحریم‌های اقتصادی

تحریم‌های اقتصادی نیز عمدتاً از دو طریق اعمال می‌شود. تحریم تجاری و تحریم مالی. تحریم تجاری که با محدود کردن یا قطع کردن انواع روابط وارداتی و صادراتی همراه می‌شود. در تحریم مالی محدودیت و تضيیقات و فشارهایی بر روابط مالی کشور هدف اعمال می‌شود. یعنی سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و معاملات مالی کشور تحت فشار قرار می‌گیرد.

تقسیم‌بندی دیگری می‌توان از جهت "منشاء" تحریم نیز در نظر داشت:

اول تحریم یک جانبه، در این نوع کشور فرستنده تحریم براساس تصمیم یک طرفه خود تحریم را اعمال می‌کند. دوم تحریم چند جانبه که از سوی چند کشور علیه کشور هدف صورت می‌گیرد. سوم تحریم سازمان ملل است که بوسیله شورای امنیت اعمال می‌شود.

از آنجا که در تحریم یک طرفه، فقط یک کشور روابط تجاری و مالی خود را با کشور هدف محدود می‌کند، در نهایت این تحریم آثار سوء کمتری خواهد داشت. میزان این اثرگذاری به نفوذ اقتصادی کشور فرستنده تحریم در کشور هدف بستگی دارد. به طور مثال اگر کشوری مانند آمریکا بر کشوری مانند کانادا که در حد ۸۰ درصد روابط تجاری اش وابسته به آمریکاست تحریم اعمال کند بدون تردید کشور کانادا به شدت تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و به اوضاع وخیمی دچار می‌شود. اما اگر سهم معاملات اقتصادی آمریکا با کشوری مثلاً حدود ۱۵ درصد باشد، تحریم یک جانبه کاری از پیش نخواهد برد.

(بوجود آمده است. coalition of willing در تحریم‌های چند کشور اصطلاحاً می‌گویند "ائتلاف کشورهای داوطلب" یا) یعنی ائتلاف کسانی که مایلند به تحریم بپیوندند. بدیهی است که آثار و هزینه‌های تحریم چند جانبه نسبت به تحریم یک جانبه می‌تواند بیشتر باشد. اما تحریم شورای امنیت سازمان ملل است که به صورت همه جانبه صورت می‌گیرد و برای اعضای سازمان ملل لازم‌الاجرا است و بعد حقوقی و قانونی هم دارد.

هزینه های تحریم:

اولین هزینه تحریم هزینه وقت و انرژی برای تغییر مناسبات تجاری و مالی است. این هزینه بر هر دو طرف و به نسبت وضعیت هریک تحمیل می‌گردد. تغییر بازارها نیز هزینه زمانی و مالی دارد. ضمن اینکه این تغییر، هزینه قیمتی هم تحمیل می‌کند. در شرایطی که به دلیل تحریم بازار خرید تغییر کند، ناچار کالای مشابه با قیمت بالاتر خریداری می‌شود. بنابراین قدرت خرید پول هم کاهش می‌یابد. برای کشور تحریم‌کننده نیز از دست رفتن بازار فروش و آرایه خدمات مالی هزینه تحریم است. هزینه دیگر تغییر در رتبه بندی ریسک کشور هدف است. افزایش یا کاهش ریسک موجب زیاد و کم شدن هزینه های معاملات می گردد. هزینه دیگر آن روانی است که موجب می شود سرمایه گذاران با تردید به فرصتهای سرمایه گذاری نگاه کنند.

اثربخشی تحریم

هر بار از تحریم اقتصادی سخن گفته می‌شود این پرسش را در پی دارد که اثربخشی تحریم‌های اقتصادی اعمال شده در دنیا چه میزان بوده‌است. اساساً تحریم از نظر اقتصاد بین‌الملل، ایجاد انحراف در مسیر طبیعی داد و ستدهای بین‌المللی است. به طور طبیعی معامله بین کشورها اینگونه است که خریدار متقاضی بهترین و کیفی‌ترین کالا با نازلترین قیمت است و کشور فروشنده نیز بهترین تولیدات را صادر می‌کند. زمانی که تحریم شروع می‌شود، انحراف مصنوعی در روابط تجاری دو کشور فرستنده و دریافت‌کننده تحریم ایجاد می‌شود هزینه‌های اقتصادی برای هر دو طرف بالا می‌رود. روابط اقتصادی بین‌المللی هم در کل دچار خدشه می‌شود. اما در سطح کشور تحریم شده، میزان افزایش هزینه‌ها به میزان وابستگی آن کشور به طرف تحریم‌کننده بستگی دارد. در تحقیقی که در خصوص اثربخشی تحریم‌های اقتصادی صورت گرفت، این نتیجه اعلام شد که ۱۷۶ مورد تحریم

اقتصادی از سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۹۰، صورت گرفته که حدود ۶۶ درصد آن موفق نبوده و ۲۴ درصد بقیه هم فقط نسبتاً موفق بوده اند. این آمار نشان می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی در ذات خود موفقیت نداشت. از سال ۱۹۷۲ تاکنون هم ۲۴ درصد تحریم‌های اقتصادی نسبتاً موفق ارزیابی شده است. تنها مواردی که در تاریخ تحریم‌های اقتصادی از آنها به عنوان نمونه‌های موفق نام برده می‌شود، تحریم‌هایی است که علیه آفریقای جنوبی یعنی رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی و رژیم نژادپرست رودزیا (در کشور زیمبابوه) صورت گرفت. غیر از این دو مورد در تاریخ تحریم‌های اقتصادی، مورد عراق در این اواخر مثال زده می‌شود. در آفریقای جنوبی هم تحریم اقتصادی موجب نشد که یک حکومت سیاه پوست بر سر کار بیاید اما فشارهای زیادی به رژیم آن کشور وارد کرد.

نکته مهم دیگر در باب تحریم، مراحل اعمال تحریم اقتصادی است. پیش از شروع تحریم اقتصادی عموماً چهار مرحله طی می‌شود. در مرحله نخست کشور اعمال کننده بالقوه تحریم به صورت خصوصی با کشور هدف وارد مذاکره می‌شود تا آن کشور را به تغییر روش ترغیب کند. در مرحله بعد تحریم اعلام عمومی می‌شود. در مرحله سوم با متحدین خود به مشورت می‌پردازد و مرحله چهارم شروع تحریم است که از موارد غیراقتصادی آغاز می‌شود. تحریم‌های غیراقتصادی هم متعدد است. از جمله لغو جلسات چند جانبه در کشور هدف، عدم صدور روایید برای گروهی از افراد آن کشور، فراخوانی سفرا و کاهش سطح روابط، جلوگیری از پیوستن آن کشور به کنوانسیون‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، مخالفت با هر نوع میزبانی جلسه سیاسی در آن کشور، قطع کمک‌ها اعم از وام‌ها، تأمین‌های مالی و سرمایه‌گذاری‌ها و در آخر قطع ارتباطات اعم از رادیویی، تلفنی، حمل و نقلی، و پست و تلگراف. با این پیش زمینه در خصوص تحریم‌های اقتصادی می‌توان به بررسی مواجهه ایران با تحریم اقتصادی پرداخت. نخستین پرسشی که به ذهن متبادر می‌شود این است که آیا تاکنون ایران مورد تحریم اقتصادی قرار گرفته است؟ پاسخ مثبت است. ایران در خلال ۲۷ سال بعد از انقلاب مورد تحریم اقتصادی بوده است. تحریم‌های ایران اغلب یک جانبه و از سوی آمریکا صورت گرفته است. علاوه بر این در مورد برخی کالاها ایران مورد تحریم چند جانبه از سوی کشورهای داوطلب بوده است. کالاهای دو منظوره مهمترین مثال آن است. علاوه بر این در مورد برخی کالاهای دو منظوره ایران به طور غیررسمی مورد تحریم چندجانبه هم بوده است. مثلاً از طرف گروه استرالیا فهرستی از کالاهای دو منظوره به ایران صادر نمی‌شود. البته موارد کالاهای دو منظوره آنقدر گسترده شده که تقریباً بسیاری از وسایل الکترونیکی را هم شامل شده است.

تحریم‌های آمریکا علیه ایران

در خلال دوره‌های متفاوت ریاست جمهوری آمریکا، تحریم‌های علیه ایران هم دستخوش تغییراتی شده است. در دوره ریاست جمهوری کارتر، ایران چهاربار تحریم شد: این تحریم‌ها شامل ممنوعیت واردات نفت، مسدود شدن دارایی‌های ایران، ممنوعیت صادرات به ایران و ممنوعیت واردات از ایران بود. این چهار مورد تحریم بعد از تسخیر لانه جاسوسی و تا قبل از توافق الجزیره اعمال می‌شد. پس از توافق الجزیره سه مورد از این تحریم‌ها لغو شد و فقط مسدود بودن دارایی‌ها ادامه یافت. در زمان ریاست جمهوری ریگان ایران مجدداً چندبار تحریم شد: تحریم اول در سال ۱۹۸۳ اعمال شد که براساس آن کمک‌های سازمان‌های بین‌المللی به ایران محدود شد و نمایندگان آمریکا مأموریت یافتند که در سازمان‌های بین‌المللی تلاش کنند تا برای کمک به ایران رای منفی در نظر گرفته شود که تنها تا حدودی موفق بود. در سال ۱۹۸۶ ممنوعیت صدور تسلیحات به ایران تصویب شد. و در ادامه نیز ممنوعیت واردات از ایران در سال ۱۹۸۷ صورت گرفت به عبارتی از زمان توافق الجزیره تا آن تاریخ نفت ایران به آمریکا صادر می‌شد. در زمان بوش پدر تحریم کالاهای دو منظوره اعمال شد. در ادامه این تحریم‌ها در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون مجدداً تحریم‌های گسترده علیه ایران صورت گرفت. در سال ۱۹۹۵ ممنوعیت کمک به توسعه منابع نفتی و سرمایه گذاری در میادین نفت تصویب شد. در ماه مه همان سال دو نوع رابطه تجاری و مالی با ایران قطع شد. یک سال بعد یعنی در سال ۱۹۹۶ قانون معروف به ایلسا توسط کمیته مالی سنای آمریکا علیه ایران تصویب شد که مربوط به تحریم ایران و لیبی بود. ایلسا شرکت‌های نفتی را از معامله با ایران منع می‌کرد. براساس همین قانون آمریکا برای تمام شرکت‌های خارجی که با ایران معامله می‌کردند تحریم‌هایی قائل شد. با توجه به چنین تحریم‌هایی باید دوران کلینتون را دوره شاخصی در استفاده از تحریم‌های اقتصادی دانست. در این دولت ۱۶۱ بار از تحریم اقتصادی علیه ۲۵ کشور جهان استفاده شد. جمعیت این ۲۵ کشور، ۲/۳ میلیارد نفر بود. این کشورها ۷۹۰ میلیارد دلار از صادرات جهان را خریداری می‌کردند. در تاریخ جهان تحریم با چنین ابعادی بی‌سابقه بود.

علت اعمال این حجم تحریم که از سوی آمریکا اعمال شد این بود که آمریکا تحمل رفتار غیر سازگار با خود را از دست داده بود. چون آمریکا احساس کرد که جهان به طور کامل از حالت چند قطبی درآمده و به یک جهان تک قطبی تبدیل شده و کسی را یارای مقابله با او نیست. در این میان تحمل آمریکا و سیاست مداران آن کشور بتدریج بکلی از میان می‌رود و زمینه تازه ای برای ظهور نوحافظه کاران آمریکایی بوجود می‌آید. در زمان بوش پسر هم دو تحریم علیه ایران صورت گرفت. اول تمدید قانون ایلسا و دوم تحریمی که هفته اول مهرماه سال جاری تصویب شد که براساس آن ایران و کشورهای طرف معامله با ایران زیر فشار قرار می‌گیرند. کنگره و سنای آمریکا با تصویب این قانون هم تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را تشدید کردند و هم شرکت‌های خارجی معامله کننده با ایران را از تنبیه و مجازات مصون نداشت.

از ابتدای انقلاب با شروع تحریم‌ها از سوی آمریکا تغییراتی در روابط تجاری ایران پدیدار شد. اوایل انقلاب روابط تجاری ایران و آمریکا حدود ۱۶ تا ۱۷ درصد بود. در نتیجه تحریم‌های آمریکا، ایران روابط تجاری و مالی خود را به تدریج از

آمریکا به سوي اروپا تغيير جهت داد. پايين بودن ميزان اين رابطه سبب شد که اقتصاد ايران هزينه کمتری ببيند. البته بايد به اين نکته توجه کرد که تحریم چه هزينه‌هايي ايجاد مي‌کند. ايران تاکنون توانسته مقاومت بسيار خوبي در برابر تحریم‌هاي آمریکا نشان دهد. در مورد تحریم شوراي امنيت اولين نکته اين است که هيچ‌گونه پايه و اساس حقوقي برای آن وجود ندارد. يعني هيچ محمل حقوقي از جهت حقوق و فوانين بين‌المللي برای تحریم ايران توسط شوراي امنيت وجود ندارد. اما از آنجا که ساختار شوراي امنيت سياسي است و نه حقوقي، قضاوت آن به صورت سياسي و با اهداف سياسي صورت می‌گیرد که لزوماً بر انصاف و عدل منطبق نیست. در مورد ايران که کشور بزرگی است با داشتن موقعيت های استراتژیک جغرافيايي و نیز ذخاير نفت و گاز فراوان و همچنين با توجه به نفوذ بين المللي کشورمان مسلماً موضوع به سادگی قابل تاييد در شورای امنيت نیست. بهر تقدير در تحليل نهايي موفقيت تحریم از جهت رسيدن به اهداف سياسي آن مانند تجربه هاي گذشته زیر سوال جدي است و گمان نمی‌رود تامين کننده خواسته‌هاي تحميل کنندگان تحریم باشد.